

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: سید مسعود موسوی مهر

● سردبیر: سید مسعود طالع هاشمی

● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵

● دفتر مرکزی: ۱۵- ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱

● نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱

● روابط عمومی: ۵۱- ۳۸۴۸۳۷۵۲-۵۱

● شماره پیامک: ۳۰۰۷۷۸۸۳

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: سید مسعود موسوی مهر

● سردبیر: سید مسعود طالع هاشمی

● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵

● دفتر مرکزی: ۱۵- ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱

● نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱

● روابط عمومی: ۵۱- ۳۸۴۸۳۷۵۲-۵۱

● شماره پیامک: ۳۰۰۷۷۸۸۳

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: سید مسعود موسوی مهر

● سردبیر: سید مسعود طالع هاشمی

● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵

● دفتر مرکزی: ۱۵- ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱

● نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱

● روابط عمومی: ۵۱- ۳۸۴۸۳۷۵۲-۵۱

● شماره پیامک: ۳۰۰۷۷۸۸۳

دمای هوای مشهد

۲۹٪
آفتاب
۱۱°↓
۲۳°↑

صبح ۱۴
ظهر ۲۲
عصر ۲۰
شب ۱۴

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۲۸:۴۲ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۱:۳۹

غروب آفتاب ۱۸:۱۸:۰۳ اذان صبح فردا ۰۳:۰۳:۲۱

اذان مغرب ۱۸:۳۷:۵۸ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۳۷:۴۸

کارتون شهر

رئیس سابق مرکز پژوهش‌های تأمین اجتماعی: در ۳ سال اخیر سرانه فقر ۳ برابر شده است

رضا چنگی

شوخى
بى‌شوخی

کارگران مشغول کارند!

تک جمله‌هایی برای کسانی که همیشه پای کارند و دیده نمی‌شوند

روز آن‌هایی که اگر نباشند هیچ برجی تا آخر ساخته نمی‌شود، ولی با میزان حقوقی که می‌گیرند نمی‌شود تا آخر برج ساخت گرامی باد.

روز آن‌هایی که لباس هایشان همیشه خاکی است، اما راه پیشرفت کشور را هموار و آسفالت می‌کنند، گرامی باد.

روز آن‌هایی که صدای بلند و بکناخت و آزاردهنده دستگاه‌های محل کارشان را تمام وقت می‌شنوند، ولی هیچ وقت مدیران بالادستی در اتاق‌های ساکنشان صدای آن‌ها را نمی‌شنوند، گرامی باد.

روز آن‌هایی که در محل کارشان عرق تن را تحمل می‌کنند تا وقتی به خانه رفتند عرق شرم نریزند، گرامی باد.

روز آن‌هایی که لباس کار می‌پوشند تا خانواده‌شان لباس عافیت بپوشند، گرامی باد.

روز آن‌هایی که لباس هایشان خاکی می‌شود و دستانشان سیاه می‌شود تا تولید کشور به خاک سیاه نشینند، گرامی باد.

روز آن‌هایی که حرف نمی‌زنند و کار می‌کنند ولی باید حرف آن‌هایی را که حرف می‌زنند ولی برایشان کاری نمی‌کنند تحمل کنند، گرامی باد.

روز آن‌هایی که هر روز در خانه مان می‌آیند و سراغم‌رامی گیرند، راستش اصلا فکر نکردم پرس و جو می‌کنیم، با این حال باز هم دیکته آن هفته را ۲ گرفتیم، با همان دو خط تیره دور و برش.

تا وقتی رنگ آخر نخورد خیلی به عواقب ماجرای نبرده بودم، اما در مسیر خانه تازه یادم آمد ای دل غافل به خانه برسم جواب بزرگ ترم را چه بدهم؟

آن قدر ترس برم داشته بود که ناامیدی بر من هفت ساله مستولی شد.

خلاصه مسیر دبستان سمیه در سنگ پل پایل تا میدان شهید بزاز را با کلی غصه طی کردم.

یک خیابان مانده به مقصد را هم را کج کردم و داخل کوچه باریکی پیچیدم، خام‌رم هست که در دلم داشتم با همه دوستان و اقوام و فامیل خداحافظی می‌کردم، با خودم تصور می‌کردم خواهرم گریه می‌کند، موهایش را چنگ می‌زند و به سینه‌اش می‌کوبد، دوستانم

اول شخص

سرعت به وقت خدمت

گذری بر خدمات ارزنده پروفیسور علی اکبر جلالی ملقب به «پدر فناوری اطلاعات ایران» به بهانه سالروز اختراع اینترنت

آزاده چشمه‌سنگی نویسنده

فارغ التحصیل شد. در همین ایام، هنگامی که ۲۵ سال بیشتر نداشت تصمیم گرفت تا همراه با موج جهاد سازندگی به روستای اجدادی‌اش برگردد و با ایده انتقال روستا از ارتفاعات به دامنه‌کوه، زمینه را برای رفاه و حل مشکلات جاری روستا مهیا کند. آن روزها، روستای شاهکوه در ارتفاعی بیش از دوهزار متر از سطح دریا قرار داشت و دسترسی به منابع آبی مورد نیاز، پزشک و درمانگاه، گاز، برق و تلفن وجود نداشت.

بیماری‌های متعدد پوستی به علت مشکلات ناشی از کمبود آب در روستا شایع و مسیر صعب‌العبور کوهستانی برای حرکت به سمت شهر، مسئله ساز شده بود. به این ترتیب علی اکبر جوان، با پشتکار و مهارت در جلسات متعدد، ساکنان روستا را متقاعد کرد تا برای شروع یک زندگی تازه به دامنه کوه و در مجاورت چشمه سارها، مهاجرت کنند. سرانجام فعالیت‌های فشرده او با همکاری فرمانداری و ائمه جمعه و دیگر مسئولان به ثمر نشست و با انتقال روستا نه تنها شرایط زیستی که آینده نسل‌های بعد نیز متحول شد. این تنها خدمت دکتر جلالی به روستاییان

ایران، به شاهکوه رفت و فعالیت‌های زیرساختی و فرهنگی را برای شروع کار آغاز کرد. آن روزها کمتر کسی در شهرهای بزرگ با کاربرد‌های اینترنت در زندگی آشنا بود، اما هم زمان با پیشنهاد دکتر جلالی و همکاری مجمع دانشگاهیان شاهکوه و اهالی روستا، امکانات استفاده از اینترنت در این روستا برای افراد پیر و جوان مهیا و ادبیات استفاده از اینترنت در جهت توسعه اقتصادی اجتماعی خانوارها، نهادینه شد. خبر تأسیس نخستین روستای اینترنتی ایران در خبرگزاری‌های جهانی از جمله CNN رسانه‌ای شد و در ادامه با طراحی و اجرای اولین مرکز جامع خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی کشور، در روستای قرن آباد (محل فشلاق روستاییان شاهکوهی)، گام دیگری به سوی تجهیز روستاییان به سوی فناوری برداشته شد. اولین پست بانک الکترونیکی روستایی کشور، نیز اولین بار با سرمایه دومیلیون تومانی پروفیسور جلالی در روستای قرن آباد تأسیس شد و در ادامه تا سال ۱۳۸۲ با همکاری او و شرکت مخابرات ایران بیش از ۱۰ هزار دفتر ICT روستایی ایجاد شد. به این ترتیب نام دکتر جلالی به ویژه در نقاط روستایی کشور به «پدر فناوری اطلاعات ایران» شهرت یافت. اما آنچه او را در سطح بین‌المللی مطرح کرد، ارائه «نظریه موج چهارم در عصر مجازی»

نمونه‌ای از اقدامات ارزنده دکتر جلالی با همکاری جهاد سازندگی در کشور

نواوری در طرح شناسنامه خانوار روستایی

این طرح که بعدها در قالب یک طرح ملی مورد استفاده قرار گرفت، نخستین بار در سال ۱۳۶۰ از سوی دکتر جلالی مطرح شد و عنوان طرح برتر جهاد سازندگی را به خود اختصاص داد. در این طرح ابتکاری، شناسنامه خانوار روستایی متشکل از تمامی اطلاعات اقتصادی و اجتماعی هر خانواده، در دفترچه‌ای با عنوان شناسنامه خانوار گردآوری شد و زمینه برای خدمت‌رسانی سازمان‌های دولتی به روستائینشان شهرستان شاهرود فراهم آمد.

روایت

ماجرای آن کوچه بن‌بست

نگاهمان می‌کرد و می‌گفت بروید بتمرگید سر جای‌تان، حیف نانی که شما می‌خورید، گاهی وقتی چشمم به نان‌های وسط سفره می‌افتاد یادش می‌افتادم، لقمه را که تنوی دانه‌م می‌گذاشتم با خودم فکر می‌کردم یعنی الان این نان حیف می‌شود؟ نکند تنوی گلویم بماند و خفه شوم، تنبل بودم، علت این حجم از تنبلی را هنوز هم نمی‌فهمم، هفته‌ای یکی دوبار دیکته داشتم، خام‌رم نیست تا شش ماه اول سال بیشتر از ۲ گرفته باشم، دفتر دیکته را که می‌گرفتم دستم، فوری چشمم به دو تا خط تیره بزرگ کنار ۲ می‌افتاد.

از ترس وقتی به خانه می‌رفتم دفتر را در هزار سوراخ مخفی می‌کردم مباد اکتد دیگری در خانه منتظرم باشد، هر بار می‌پرسیدند که دیکته چند شدی؟ می‌گفتم: خام دیکته نگفتم.

بالاخره یک روز سوزن خانواده روی دیکته ام

روزانه نگار مجوبه افشاری

یک بار در هفت سالگی «می‌خواستم سرم را بردارم و بروم*»، می‌خواستم دیگر به خانه برنگردم، مقصرش هم خانم معتمدی معلم کلاس اولم بود.

البته دارم زیاده روی می‌کنم، مقصرش خودم هم بودم، هر باریک عدد تک می‌گرفتم، انگار شهرداری دو طرفش را بلوکه گذاشته بود، خانم معتمدی دو تا خط تیره بزرگ هر دور آن عدد می‌گذاشت، معمولاً ۲- می‌گرفتم.

این اولین و آخرین باری بود که این تصمیم به کله کوچکم خطور کرد، نمی‌دانم شاید در همان هفت سالگی از زندگی خسته شده بودم، شاید راه حل دیگری به ذهن نخودی ام نمی‌رسید.

خانم معتمدی معلم کلاس اولم بود، وقتی مشق نمی‌نوشتم به ظاهر تنبل‌ها را به صف می‌کرد مدام سبز سوسمارش را از کیفش درمی‌آورد آن را می‌گذاشت لای انگشت اشاره وسطی و با غیظ فشار می‌داد، گریه‌مان که به هوا می‌رفت از پشت عینک با عصبانیت

عکس روز

زنگ مدرسه!

در آستانه هفته نکوداشت مقام معلم، تور مدرسه‌گردی و نشست خبری در مجتمع آموزشی سردار قاسم سلیمانی برگزار شد و مسئولان آموزش و پرورش استان و اصحاب رسانه تجربه نشست پشت میز و نیمکت‌های مدرسه را در بزرگسالی مزه کردند. ضمناً شعار امسال روز معلم «مدیون تو هستیم» اعلام شده است.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.
عکس: میلاد سمنگانی / شهرآرا